

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی - پژوهشی

سال دهم - شماره یکم - بهار ۱۳۹۶ - شماره پیاپی ۳۵

دوبیتی در ادوار مختلف شعر فارسی

(ص ۳۶-۱۷)

محمدحسین محمدی^۱، غزال اسماعیلی برزی (نویسنده مسئول)^۲

تاریخ دریافت مقاله: بهار ۱۳۹۵

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: بهار ۱۳۹۶

چکیده

دوبیتیه‌ها و ترانه‌ها که به صورت شفاهی و سینه به سینه نقل شده‌اند، گنجینه ارزشمند و گرانبه‌ای هر ملتی هستند که اصیلترین احساسات بشری را در خود جای داده‌اند. این اشعار نمایانگر احساسات ساده و بی‌پیرایه انسانی‌ست که، از دل برآمده‌اند و بر دل مینشینند، از اینروست که دوبیتیه‌ها پس از گذشت صدها سال، جاودانه‌اند.

در این مقاله، بررسی سیر تحول دوبیتی در ادوار مختلف شعر فارسی از آغاز تا به امروز مد نظر ما بوده‌است؛ ابتدا به بیان مهمترین نکات درباره کلیات و وزن این قالب شعری پرداختیم و پس از معرفی و ذکر نمونه‌هایی از دوبیتیه‌های شاعران در هر دوره سبکی به بررسی و بیان مهمترین ویژگی‌های هر دوره در سه سطح ادبی، زبانی و فکری از سبک خراسانی تا دوره معاصر پرداختیم. در پایان برای مقایسه بهتر میزان به کارگیری هریک از فنون ادبی در دوبیتیه‌ها، برای هر دوره سبکی نموداری رسم کرده تا مقایسه و نتیجه‌گیری بهتری از آنچه در باب دوبیتی ذکر شد به دست آید. آنچه از نتیجه کلی این مقاله بدست می‌آید: الف- گردآوری نام شاعران دوبیتی‌سرا و ذکر نمونه‌هایی از دوبیتیه‌های آنها ب- بررسی این نکته که هریک از شاعران در دوره‌های مختلف به چه میزان و چگونه این قالب را به کار برده‌اند و دلایل دیگر شاعران در عدم به کارگیری این قالب چیست. ج- بررسی و ذکر برجسته‌ترین ویژگی‌های سبکی دوبیتیه‌ها در سه سطح ادبی، زبانی و فکری.

واژه‌های کلیدی: دوبیتی، سیر تحول، ادوار، قالب، وزن، ویژگی‌های سبکی.

^۱ - استاد فقید دانشگاه تهران

^۲ - کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

کلیات و تعاریف

تعریف دوبیتی

در اصطلاح انواع شعر، دوبیتی یکی از قالبهای ریشه‌دار شعر پارسی است که شعرپست یازده هجایی مرکب از چهار مصرع، همه بر یک قافیه (جز مصرع سوم که آوردن قافیه در آن اختیاری است) و هریک از چهار مصرع دارای معنی مستقلی است. دوبیتی متداولترین قالب نزد همه اقشار مردم است. بنا بر نظریات استاد ملک‌الشعراى بهار اصل دوبیتی آن است که شاعر مطلبی را عنوان کند و آن را در دوبیت ختم سازد و در مجموع نیروی احساسات و هیجانها و درون خود را در لخت آخر بیان کند. [بهار، سال ۸۱، ص ۱۳۱] نامدارترین وزن دوبیتها مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن یا فعولن (بحر هزج مسدس مقصور یا محذوف) است.

پیشینه دوبیتها پیش از اسلام

سابقه دوبیتی و سرودن آن بسیار طولانی است و در کتابهای ادب معمولا «فهلویات» نامیده شده است. همین نام مبین قدمت این قالب تواند بود زیرا نشان میدهد که در این بحر شعرهایی به زبان پهلوی و لهجه‌های رایج در نقاط مرکزی ایران مانند ری و عراق سروده میشده‌اند و مردم این نواحی به شنیدن آن رغبت فراوان داشته‌اند. علمای ادب از فهلویات دوری کرده‌اند زیرا زبان آن زبان عامه است. اما دوبیتی در میان طبقات مختلف مردم نفوذ گسترده‌ای داشته است. شمس قیس رازی به کرات از نفوذ آن در میان طبقات و لایه‌های مختلف اجتماع سخن میگوید. او در قسمتی از کتاب المعجم فی المعاییر الاشعار العجم در باب دوبیتی چنین میگوید: «باعث کلی و داعیه اصلی بر نظم این وزن ثقیل و بحر مستحدث در سلک اوزان و بحور مشهور آن بود که کافه اهل عراق را از عالم، عامی و شریف و وضع به انشاد ابیات فهلوی مشعوف یافتم و به اصغا و استماع ملحونات آن، موّاع دیدم، بل که هیچ لحن و تالیف شریف از طرق اقوال عربی و اغزال دری و ترانه‌های معجز و داستانهای مهیج، اعطاف ایشان را چنان در نمی‌جنبانید و دل و طبع ایشان را چنان به اهترزاز نمی‌آورد که:

لحن او را من و بیت پهلوی زخمه رود و سماع خسروی
(المعجم فی المعاییر الاشعار العجم، ص ۱۹۴)

انواع دوبیتی

دوبیتی را جدا از شکل اصلی آن که مصراعهای اول و دوم و چهارم (به جز مصرع سوم) در آن هم قافیه هستند، میتوان به سه نوع تقسیم کرد: **دوبیتی با دوبیت مقفی**: در این نوع فقط مصراعهای

دوم و چهارم قافیه دارد. به عبارت دیگر بیت اول آن مصّرع نیست و مصراعهای اول و سوم یک قافیه و مصراعهای دوم و چهارم به قافیه دیگر سروده می‌شود. **دوبیتی به هم پیوسته:** از چندین بند چهار مصراعی ترکیب می‌شود که این بندها در وزن متحدند و مصراعهای دوم و چهارم هربند هم قافیه. **دوبیتی نو:** برخی از شعرای امروز اشعاری مرکب از چندین پاره می‌سازند که هر پاره آن از دوبیت تشکیل می‌شود و هریک از پاره‌ها ممکن است از جهت قافیه به یکی از سه صورت زیر درآیند: **الف:** فقط مصراعهای دوم و چهارم دارای قافیه باشند. **ب:** مصراعهای اول و سوم به یک قافیه و مصراعهای دوم و چهارم به قافیه‌ای دیگر گفته شود. **ج:** دو مصراع طرف دارای یک قافیه و دو مصراع وسط دارای قافیه‌ای دیگر باشد.

نامهای دیگر دوبیتی:

علاوه بر ترانه و فهلویات، دوبیتی را در مناطق مختلف به نامهای بیت، دوبیت، دوبیتو، چهار بیتو، ترانگ، کله فریاد، چهارپاره، سی تک، چهاردانه، چهارگانه، چهارخانه و چهار تاج می‌خوانند.

دوبیتی سرایان و فهلوی گویان معروف

مشهورترین شاعر برون معمول دوبیتی باباطاهر (م. ۴۵۰ ه.ق) است. همچنین باباطاهر و فایز دشتستانی (م. ۱۳۳۰ ه.ق) نیز از بزرگترین دوبیتی سرایانند.

معرفی وزن دوبیتی، اختلاف آرای علمای ادب در این باب و نتیجه گیری:

دوبیتی شعرپست همگانی و با قدمتی طولانی که سرودنش به توانایی شعری نیازی ندارد و وزن و آهنگش، آهنگی از دل برخاسته و به دل نشسته‌ای است. وزن اصلی دوبیتی همانگونه که ذکر شد مفاعیلن مفاعیلن فعولن است اما اکثر دوبیتی‌ها و فهلویاتی که به لهجه محلی و در دوبیت سروده شده‌اند بنیادی کهن دارند و همین خود سبب بحثها و اختلاف آرای فراوانی است که پیرامون دوبیتی مطرح می‌شود. یکی از مهمترین آنها بحث عروض و وزن دوبیتی و فهلویات است که عدم تطابق دقیق وزن اینگونه اشعار با اوزان عروضی کمی، سبب اختلاف آرای فراوانی شده است

تفحص در تعداد محدود فهلویاتی که امروز در دست ماست، همچنین قدمت بسیار زیاد این آثار و ترانه‌ها و احتمال تحریف و یا تغییر توسط کاتبان با دیدگاه و لهجه‌های مختلف، برای بیان حکم قطعی و نشان دادن میزان تحول و دگرگونیهای این وزن شعری ره به جایی نمیرد. مهمترین دلیل آن نیز در دست نبودن نخستین آثاری است که نشان‌دهنده پیوند سروده‌های قبل و بعد از اسلام است. بنابراین صدور حکمی کلی و قطعی در باب اوزان این اشعار نمیتواند امکانپذیر باشد مگر اینکه در آینده، نخستین آثار و منابع ارزشمند مربوط به اوایل ورود اسلام به ایران کشف شود و با بررسی این حلقه گمشده بتوانیم خاستگه و منشا اصلی وزن اینگونه اشعار را بدون تردید و در حکمی قطعی بیان کنیم.

دوبیتی در دوره‌های مختلف سبکی

با بررسی دوبیتی‌های یافته شده در کتابهای مختلف از شاعران دارای دیوان یا بدون دیوان در دوره‌های مختلف سبکی، که در قالب دوبیتی طبع‌آزمایی کرده‌اند به مجموعه‌ای از ویژگی‌ها و مختصات ادبی، زبانی و فکری در هریک از این دوره‌ها دست یافتیم که در این فصل به مهمترین آنها اشاره میکنیم:

خراسانی:

از زمان رودکی تا دوره باباطاهر همدانی که رفته رفته سبک خراسانی جای خود را به سبک سلجوقی، آذربایجانی و سپس عراقی میدهد، هیچ شاعری در دیوان خود به سرودن دوبیتی روی نیاورده است. بنابراین در اشعار شاعران سبک خراسانی بندرت دوبیتی دیده میشود. برخی از شاعران این سبک کهن به صورت پراکنده فہلویات یا دوبیتی‌هایی سروده‌اند که به شرح زیر است:

مسعود الرازی: نادره سپهر مسعود بود و در مسلک مداحان سلطان سعید مسعود شهید منخرط و ادبیات و اشعار او در کتب متفرقت. [لباب الالباب، ص ۲۹۵]

طاهر بن فضل چغانی: امرای چغانیان در آن عهد نادر بودند و این امیر ابوالمظفر نادره عهد و یگانۀ خود بوده است. وی پسرعم امیر ابوالمظفر احمد بن محمد چغانی ممدوح منیجک و دقیقی و لیبی است. طاهر مانند پسرعم خود شعر دوست و ادب پرور بود. از اشعار او ۳۱ بیت شامل: یک غزل، سه دوبیتی، دو قطعه، دو رباعی و هشت بیت مفرد باقی است. [امیرخانی، سال ۷۸، ص ۱۶۷]

مختصات ادبی: با وجود اینکه دوبیتی شعر نیست عامیانه و ویژگی‌های شعر رسمی و درباری کمتر در آنها دیده میشود، در دوبیتی‌های این دوره ویژگی‌هایی بسیار نزدیک به شعر خراسانی یافت میشود. از مهمترین آرایه‌هایی که در دوبیتی‌های این دوره دیده میشود تشبیه و استعاره‌های ساده و قابل فهم، مراعات النظیر و انواع جناس. همچنان که در این دوبیتی از طاهر بن فضل چغانی میبینیم:

چرا باده نیاری ماهرویا که بی می صبر نتوان بر قلق کرد
به نرگس ننگری تا چون شکفته‌است می جام بر سیمین طبق بر چو رو
(لباب الالباب، ص ۲۹)

مختصات زبانی: ویژگی‌های زبانی به کار رفته در این دوبیتها نیز همان ویژگی‌های زبانی سبک خراسانی است. به کار بردن واژه‌ها و افعال کهن همانند «مغاک و زرخدان»، آوردن حرف اضافه بعد از اسم مانند: «فراز شاخ بر»، کاربرد افعال به صورت کهن مانند حذف «می» استمراری از فعل «نیاری» در بیت «چرا باده نیاری ماهرویا» که هریک بیانگر ویژگی‌های اصلی سبک خراسانی است که در این دوبیتی از مسعود الرازی نیز به خوبی مشهود است:

زنخندانهای ترکانست گویی فرازشاخ بر، آن سیب خندان
مغاکى در میان هر یک آنک چو آن چاهی که باشد بر زنخندان
(همان، ص ۲۹۵)

مختصات فکری: لحن حماسی و مضامین به کار رفته در این دوبیتی‌ها به خوبی مختصات سبک خراسانی را به یاد می‌آورد. دوبیتی زیر از مسعود الرازی به به خوبی یادآور سبک خراسانیست:

ی بسدین، پر گوهر سرخ چو حقه ببین آویخته از شاخ مرجان
اش کفیده چون دهان شیر و دانه بدودر، همچو خون آلوده دندان
(همان، ص ۲۹۵)

سلجوقی و آذربایجانی

دوبیتی در این دوره سبکی و در قرن پنجم با دوبیتیهای باباطاهر به اوج خود میرسد و رفته رفته ویژگیهای حماسی و خردگرایی اینگونه اشعار جای خود را به عشق و بیان آشکار احساسات میدهد. مهمترین شاعر دوبیتی سرا در این دوره باباطاهر است.

باباطاهر همدانی:

با وجود آرای مختلف درباره تاریخ تولد و وفات باباطاهر، میتوان حدس زد که او در سالهای نزدیک به ۳۹۰ه.ق چشم به جهان گشود و پس از سالهای ۴۴۷ یا ۴۵۰ه.ق درگذشته است. باباطاهر در قالب بسیار کوتاه و کوچک دوبیتی و قالبی که مخصوص عشق و دلدادگیست هم سخن از عاشق گفته و هم عارف. آنچه باباطاهر و شعر او را برای ما ارزشمند کرده است همان همگانی بودن و فراگیر بودن اشعار اوست و این فراگیر بودن به مرزهای جغرافیایی و گویش و لهجه‌ای خاص محدود نمیشود بلکه ترانه‌های او برای هر صاحب‌دلی که آتش عشق در دلش زبانه میکشد، از هر قوم و یا به هر زبانی که باشد آشنا و ستودنیست.

مختصات ادبی: صنایع ادبی در اشعار باباطاهر ساده و خالی از هرگونه پیچیدگی است. در حقیقت دوبیتیهای باباطاهر بهترین نمونه دوبیتیها در طول حیات این قالب شعری هستند. به عنوان مثال در بیت:

«نسیمی کز بن آن کاکل آيو مرا خوشتر ز بوی سنبیل آيو
چو شو گيرم خیالت را در آغوش سحر از بسترم بوی گل آيو
(شرح احوال و آثار و دوبیتیهای باباطاهر، مقصود، ص ۲۱۱)

به جز حسن تعلیل آرایه قابل ذکر و پیچیده دیگری دیده نمیشود.

مختصات زبانی: مهمترین ویژگی زبانی در دوره باباطاهر، به کار بردن واژه‌های اصیل فارسی است. این اشعار غالباً به صورت محلی سروده شده‌اند و ویژگیهای لهجه‌ای شاعر را نمایان می‌سازند.

شاعر خواسته یا ناخواسته این ویژگیها را در شعر خود به کار میبرد و جذابیت این اشعار را دوچندان میکند. در این اشعار و دوبیتیها، هیچ نکته پیچیده و غامض دستوری که فهم شعر را برای ما مشکل نماید، دیده نمیشود. جز اینکه گاهی شاعر کلمات یا افعالی را در شعر به کار میبرد که با ویژگیهای فارسی دری همخوانی ندارد و همین سبب عدم فهم درست معنی شعر میشود. بسامد ابدال و ادغام در این اشعار فراوان دیده میشود که دلیل این فراوانی تفاوت‌های لهجه‌ای در گویش شاعر است. مانند این بیت از باباطاهر همدانی:

نگارینا دل و جانم تِه دیری همه پیدا و پنهانم تِه دیر
نمی‌دانم که این درد از که‌دیرم همی‌دانم که درمانم تِه دیری
(همان، ص ۱۶۷)

مختصات فکری: از عمده‌ترین مضامین فکری باباطاهر میتوان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. مضامین به کار رفته در دوبیتیها بسیار طبیعی است. شاعر به وضوح از احساسات ناب خود سخن میگوید. ۲. شکایت از هجران و دوری یار که عاشق خواسته یا ناخواسته از معشوق خود دور افتاده و در هجران وی ناله سر میدهد. ۳. شکایت شاعر از غربی و دور بودن از وطن و اینکه غریب افتاده بی کس و جفا کش است. ۴. مضامینی چون شکایت از فلک و بخت و اقبال در این اشعار فراوان دیده می‌شود. ۵. مضامین عرفانی نیز گاهی در این دوبیتیها دیده میشود.

دوسر بی از «چه خوش بی مهربانی که یکسر مهربانی دوسر بی
بی داشت اگر مجنون دل شوریده تر بی دل لیلی از آن شوریده
(همان، ص ۱۵۷)

این دوبیتی نمونه‌ای از دوبیتیهای که در آن باباطاهر از عشق و دلدادگی سخن میگوید.

عراقی

در این دوره سبکی برخی از شاعران دارای دیوان به سرودن دوبیتی روی آورده‌اند؛ هرچند که در دیوان آنها به ندرت دوبیتی در کنار قالبهای شعری دیگر همچون قصیده، غزل، مثنوی و رباعی دیده میشود. تعداد محدود دوبیتیها در اشعار این دوره نسبت به سایر قالبها نشان از عدم علاقه و روی آوردن شاعران درباری به دوبیتی است. بعد از باباطاهر به شاعران دوبیتی سرای قرن هشتم میرسیم. در این دوره شاعران به دو دسته تقسیم میشوند: گروهی از این شاعران همچون پور فریدون، شمس مغربی و پیر جمال اردستانی دوبیتیهای خود را به ویژگیهای دوبیتیهای باباطاهر نزدیک میکنند و سادگی و روانی دوبیتیهای اصیل هنوز در آنها به چشم میخورد:

پور فریدون: پور فریدون در اواخر سده‌ی هفتم و هشتم هجری میزیسته است. او از کردهای

فارس بوده که امروزه دیوانی از او باقی نمانده است اما شرح حال مختصر او در هشت تذکره آمده است. از اشعار اوست:

نایبی از نامردمردی عزیزا فغان و ناله از بیدرد نایی
حقیقت بشنو از پور فریدون که شعله از تنور سرد نایی
(آتشکده آذر، ص ۲۷۱)

شمس مغربی: ابو عبدالله شمس‌الدین محمد مشهور به مغربی متولد ۷۴۹هـ ق صوفی و شاعر ایرانی قرن هشتم هجری است. در دیوان خود علاوه بر طبع‌آزمایی در قالبهای شیرین قصیده و غزل و .. مجموعاً چهارده دوبیتی (یا ترانه) به زبان آذری دارد:

سحرگاهان که دیلم تاوه گیری از اهم هفت چرخ آلاوه گیری
چدیلم آذرین آهی ورایی روح اج تاوه دیلم تاوه گیری
(دیوان شمس مغربی، ص ۲۸۵)

پیرجمال اردستانی: عارف، شاعر و موسس سلسله پیر جمالیه و از چهارده خانواده صوفیان ایرانیست. او در حدود سال ۸۱۶هـ ق در دهی در نزدیکی اردستان به دنیا آمد و در سال ۸۷۹هـ ق به درجه شهادت نائل شده است. او علاوه بر قصاید، غزلیات و رباعیها، جمعا ۱۱ دوبیتی یا فهلوی نیز دارد. [مقدمه دیوان اردستانی، ص ۶۵]

گروهی از شاعران این دوره نیز با وجود اختصاص بخشی از دیوان خود به دوبیتی، از اصول و ویژگیهای برجسته و اصلی دوبیتی دور شده‌اند و تلاش کردند چه از نظر وزن و چه از نظر ویژگیهای سبکی در دوبیتی تفاوتی به وجود آورند. از آن جمله میتوان به شاعران زیر اشاره کرد:

شاه نعمت‌الله ولی: شاه نعمت‌الله ولی متولد ۷۳۱هـ ق شاعر و عارف بلند آوازه قرن هشتم است. وی در دیوان خود در قالبهای مختلف شعر فارسی طبع آزمایی کرده است و علاوه بر رباعیات، فصلی با عنوان اشعار دوبیتی نیز داشت که تعداد آنها به ۱۳۴ دوبیتی میرسید و که البته اکثر آنها به وزن معمول دوبیتی نبودند. [مقدمه دیوان نعمت‌الله ولی، ص ۳ و ۲]

فخری هروی: فخری هروی یکی از سخنوران سده دهم هجری است. متخلص به فخری، که در هرات متولد (۹۰۳هـ ق) شده و از این رو به فخری هروی شهرت یافته است. در دیوان او علاوه بر قصاید و غزلیات، فصلی با عنوان رباعیها و دوبیتیها نیز وجود دارد که البته بیشتر آنها به وزن معمول دوبیتی نیست و به وزن رباعی است. [مقدمه دیوان فخری هروی، ص الف و ب]

جلال‌الدین ع ضد یزدی: جلال‌الدین ع ضد یزدی شاعر قرن هشتم هجری است. وی در یزد متولد (۷۴۹هـ ق) شد. تاریخ وفات وی به سال ۸۰۸ یا ۸۰۹هـ ق در ۶۰ سالگی ذکر شده است. او

شاعریست توانا و در دیوانش اشعاری در قالبهای غزل، قصیده، رباعی و .. وجود داشت. علاوه بر این در تقسیم بندی کتاب بخشی با عنوان رباعیها و دوبیتی یافت شد که تعداد آنها جمعا به ۵۱ عدد می‌رسید که البته وزن اغلب آنها نزدیک به وزن رباعی است. [مقدمه دیوان عضد یزدی، ص ۴ و ۵۶]

مختصات ادبی: همانگونه که ذکر شد؛ شاعران در این دوره به دودسته تقسیم میشوند، گروهی همان سبک و سیاق باباطاهر را در اشعارشان پی میگیرند و سادگی و روانی که از ویژگی بارز دوبیتیهاست در اشعار آنها موج میزند. در این دوبیتیها تشبیهات و استعارات دور از ذهن و دیرفهم وجود ندارد. مهمترین آرایه‌های به کار رفته در آنها عبارتند از: تکرار، تضاد، جناس و مراعات‌النظیر و اگر تشبیه و استعاره‌ای در این اشعار دیده میشود بسیار ساده، قابل فهم و دلنشین است. این دوبیتی از شمس مغربی به خوبی نمایانگر این ویژگیهاست:

ار به دریا رسم دریا ته وینم ار به صحرا رسم صحرا ته وینم
به جز ته هیچ گیجی نی به گیتی از آن هریا رسم هریا ته وینم
(دیوان شمس مغربی، ص ۲۵۸)

گروه دیگری از شاعران این دوره با وجود اختصا ص بخشی از دیوان خود به دوبیتی، از اصول و ویژگیهای برجسته و اصلی دوبیتیها دور شده‌اند. در این دوره شاعران علاوه بر عدم رعایت وزن دقیق دوبیتی، تشبیهها و استعاره‌های فراوانتر و پیچیده‌تری نسبت به دوبیتیهای ساده و ملموس دوره‌های پیشین به کار برده‌اند. این دوبیتی از شاه نعمت‌الله ولی به خوبی نمایانگر تفاوت دوبیتیهای شاعران این دوره است:

«بسی نقشی که در دیده کشیدیم بجز نور جمال او ندیدیم
به گرد نقطه چون پرگار گشتیم به آخر هم بدان اول رسیدیم
(دیوان نعمت‌الله ولی، ص ۵۳۳)

مختصات زبانی: مهمترین ویژگیهای زبانی در اشعار شاعرانی که در این دوره تلاش کرده‌اند به شیوه‌ی دوبیتیهای اصیل شعر بسرایند، کاربرد فراوان افعال محاوره‌ای، واژگان ساده و ملموس و به کار بردن ویژگیهای لهجه‌ای شاعر در اینگونه اشعار است. علاوه بر این نکات پیچیده و غامض دستوری نیز در این دوبیتیها به ندرت دیده میشود زیرا ساختار دوبیتیها ساختار ساده‌ای است. این دوبیتی از پیر جمال اردستانی که در قرن نهم سروده شده این ویژگی را به خوبی نمایان میسازد:

مات‌دلی که داروی ته گشته بی نپردازی به نی ته وات من وات
وینی هرآن چشمی کخ چشمان ته چو او آغشته بی در کل ذرات
(دیوان جمال اردستانی، ص ۲۱۶)

اما در همین دوره، دوبیتهایی را میبینیم که سراینندگان آنها کمتر به سرودن دوبیتی با این ویژگیها پرداخته‌اند. هرچند در اینگونه اشعار نیز نکات پیچیده و غامض دستوری کمتر دیده میشود اما برخی از شاعران این دوره علاوه بر عدم رعایت وزن دقیق دوبیتی، از کاربرد افعال محاوره‌ای، واژگان ساده و وارد کردن ویژگیهای لهجه‌ای خود نیز در دوبیتی پرهیز کرده‌اند. این دوبیتی از فخری هروی به خوبی نشان دهنده‌ی ویژگیهای زبانی ذکر شده است:

صبا گر به زلف تابدار یار می‌پیچد ز غیرت عا شق م‌سکین بخود چون مار می‌پیچد
غم موی میانش رنج باریکیست مندارم مرض کم در جهان این نوع در بیمار می‌پیچد
(دیوان فخری هروی، ص ۹۲)^۱

مختصات فکری: مهمترین مضامینی که در دوبیتهای شاعران این دوره کاربرد فراوانی دارد، مضامین محسوس و قابل درکی است که با لطف طبیعی و احساسات ناب آدمی پیوند خورده است:

بدرد دیل و با عشقت بساجم خیال درد تِه وا که نواجم
بسوجم خود که دیلت بسوجی بسوج دیل تِه دل را نواجم
(دیوان جمال اردستانی، ص ۲۱۶)

به تدریج شاعران در قرون هشت و نه، مضامین پیچیده و دشوار عرفانی یا تعلیمی را به جای مضامین ساده و قابل درک وارد دوبیتهای خود میکنند:

بقدر حوصله‌ی جام می‌دهد ساقی اگر چه باده‌ی خمخانه را نهایت نیست
بیا که مجلس عشقت و عاشقان سرمست چنین مقام خوشی در همه ولایت نیست^۲
(دیوان نعمت‌الله ولی، ص ۶۶)

دوره اول صفوی (مکتب وقوعی)

در دیوان هیچیک از شاعران این دوره، شعری در قالب دوبیتی دیده نشد.

دوره دوم صفوی (سبک هندی):

در دوره صفوی به علت عدم تمایل پادشاهان و درباریان دولت صفوی به شعر و شاعری سرودن شعر با اقبال کمتری مواجه شد و برخی از شاعران به دربار پادشاهان هند روی آوردند. طبیعتاً در این دوره دوبیتی نیز در میان قالبهای مشهور دیگر از اقبال کمتری برخوردار بود هرچند در میان دیوان شاعران این دوره به شاعرانی نیز برخوردیم که در دیوان خود علاوه بر قالبهای مختلف در

^۱ - وزن این دوبیتی از فخری هروی، مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن است

^۲ - وزن این دوبیتی از نعمت‌الله ولی، مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن فعولن است.

سرودن دوبیتی نیز طبع‌آزمایی کرده‌اند که البته تعداد آنها انگشت شمار است. نکته پراهمیت درباره این شاعران آن است که هیچیک از آنها اشعاری به شیوه‌ی سبک هندی نداشته و به شیوه‌ی شاعران پیش از خود اشعاری در قالبهای مختلف شعری سروده‌اند. در ادامه به معرفی این شاعران می‌پردازیم:

اشرف مازندرانی: نام این شاعر محمدسعید، تخلص او در شاعری اشرف معروف به مازندرانی است. محل تولد او شهر اصفهان بوده است. تولدش را می‌توان بین سالهای ۱۰۳۰ تا ۱۰۳۵ هـ.ق حدس زد. اصفهان در عصر صفوی علاوه بر داشتن دانشمندان بزرگ به وجود شاعران و هنرمندان بسیاری آراسته بود و اشرف نیز به مناسبت شخصیت ممتاز پدر و پدربزرگش از موقعیت خاص اجتماعی بهره‌مند بود. صائب تبریزی یکی از این هنرمندان بلندآوازه بود که اشرف مازندرانی در محضر او کسب کمال می‌کرد. او در اواخر عمر خود به دلیل تعصبات بیش از حد محیط اصفهان رحل اقامت به هندوستان افکند. تاریخ وفات وی را در سال ۱۱۱۶ هـ.ق ذکر کرده‌اند. در دیوان او علاوه بر قالبهای غزل، قصیده، رباعی و .. بخش مجزایی به نام دوبیتها وجود داشت که تعداد آنها به ۴۴۹ دوبیتی می‌رسید که بر وزن معمول دوبیتی نبودند. [مقدمه دیوان اشرف مازندرانی، ص ۱۷]

میرزا محمد باقر حسینی: میرزا محمد باقر حسینی، از سخنوران سده یازدهم هجری و از دیوانیان و ستاینندگان شاه عباس دوم که در سروده‌های خویش، خود را باقر می‌نامیده است. نازکاندیشی و در پیچیدن در اندیشه‌ها و پندارهای ژرف و باریک از ویژگیهای شعر او است. او در دیوان خود علاوه بر غزلیات، مثنویها، قطعات و رباعیات، دوبیتها و سروده‌های کوتاهی نیز دارد که تعداد آنها به بیش از ۱۰۰ دوبیتی و سروده کوتاه میرسد. [مقدمه دیوان میرزا محمد باقر، ص ۹]

مختصات ادبی: در این دوره سبکی شاعران بندرت به سرودن دوبیتی پرداخته‌اند و آنها که در این دوره به سرودن این قالب شعری در دیوان خود همت گماشته‌اند، به ویژگیهای اصیل دوبیتی که قبلاً به آنها اشاره شد کمتر توجه کرده‌اند. در دوبیتهای اندک این دوره آرایه‌هایی همچون تشبیهات و استعارات پیچیده و دیرفهم، کنایات فراوانتر و ایهام بیشتر به چشم می‌خورد:

به هر روزن چو نور مهر از شوق تو سر دارم برای دیدن رویت نگاهی در بدر دارم
زبس در هر دو گوش خویش دارم پنبه‌ی غفلت به هر جانب که می‌خواهم تکیه‌ی زیر سر دارم^۱
(دیوان صوفی مازندرانی، ص ۳۲۸)

مختصات زبانی: آنچه که در مورد ویژگیهای ادبی دوبیتهای این دوره ذکر شد، در مورد ویژگیهای زبانی این اشعار نیز صدق میکند. شاعران در این دوره به ویژگیهای زبانی دوبیتهای اصیل که سرشار از سادگی و روانی بود پایبند نیستند بلکه برعکس تلاش میکنند در دوبیتهای

^۱ - وزن این دوبیتی از صوفی مازندرانی، مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن (بحر هزج مثنی سالم) است.

خود هرچه بیشتر از واژگان دشوار، پیچیدگیهای زبانی که سبب عدم فهم درست شعر میشود استفاده کنند. همچنین عدم ورود لهجه شخصی شاعر از دیگر ویژگیهای دوبیتیهایی این دوره است:

نمی‌دانم کدامین سرو قد پوشید عارض را که اشک از دیده‌ام چون آب در فواره می‌جوشد
به نرمی تازه دارد یار سنگین دل اسیران را که دایم چشمه آب روان از خاره می‌جوشد
(میرزا باقرحسینی، سال ۶۹، ص ۲۲۸)

مختصات فکری: در دوبیتیهایی این دوره مضامین تعلیمی بیشتری نسبت به دوره‌های پیش دیده میشود:

در این مزرع که تخمی در گلی نیست بجز افسوس ما را حاصلی نیست
ندیدم خاطری فارغ ز دنیا تهی زین درد بیدرمان دلی نیست^۱
(همو، ص ۲۲۶)

دوره فترت (افشاریه و زندیه):

در این دوره با توجه به افول کلی شعر و ادب به دلیل شرایط و نابسامانیهای سیاسی و اجتماعی به قالب دوبیتی تنها در دیوان یکی از شاعران دوره زندیه با نام نورعلیشاه اصفهانی برمیخوریم:

نورعلیشاه اصفهانی: نامش میرزا محمد علی فیض علی‌شاه بود. وی در سفر و حضر سالها در خدمت معصوم علی‌شاه در شیراز بود و هنگامی که به درجه کمال رسید او را ملقب به نورعلیشاه ساخت. در دوران حکومت کریمخان عده‌ای کریمخان را نسبت به سید و یارانش تحریک کردند و کریمخان، آنها را از شیراز تبعید کرد. نورعلیشاه پس از مهاجرت‌های پی در پی به علت آزار و اذیت حاکمان به موصل رفت و در همانجا به سال ۱۲۱۳ هـ ق وفات یافت او در قصیده، قطعه، رباعی، دوبیتی و .. خامه‌ای رسا و شیوا داشت. او در دیوان خود تنها هفت دوبیتی دارد. [مقدمه دیوان نورعلیشاه اصفهانی، ص ۳ و ۲]

مختصات ادبی:

در این دوره و با توجه به دوبیتیهایی که از نورعلیشاه اصفهانی به دست ما رسیده است شاعر تلاش کرده شیوه دوبیتی‌سرای باطاهر سرمشق راه خود قرار دهد و آرایه‌ها و صنایع ادبی ساده و دور از ابهامی را در اشعار خود به کار برد.

^۱ - وزن این دوبیتی از میرزا باقرحسینی، مفاعیلن مفاعیلن مفاعیل (هزج مسدس مقصور) است.

مو آن دل‌داده رند می پرستم که دایم از می وصل تو مستم
کشیدم باده ای از جام عشقت بساط زهد را درهم شکستم
(دیوان نورعلیشاه اصفهانی، ص ۲۷۱)

مختصات زبانی: شاعر در دوبیتیهای خود تلاش میکند ویژگیهای اصلی دوبیتی سرایی را دنبال کند. به کار بردن واژگانی ساده، افعال محاوره‌ای و وارد کردن لهجه شخصی در شعر به خوبی این ویژگی را برای ما نمایان می‌سازد.

ز عشقت دیده‌ای غمناک دیرم ز هجرت سینه‌ای غمناک دیرم
چو گل تا گیرمت رو جی در آغوش گریبان تا به دامن چاک دیرم
(همان، ص ۲۷۱)

مختصات فکری: برخلاف اینکه شاعر در ویژگیهای ادبی و زبانی تلاش میکند به دوبیتیهای اصیل پایبند باشد از لحاظ فکری در دوبیتیهای این دوره مضامین مذهبی و عرفانی بیشتری دیده میشود.

مو آن رندم که پا از سر ندانم سرآپایی بجز دلبر ندانم
دلارامی کز او گیرد دل آرام به غیر از ساقی کوثر ندانم
(همان، ص ۲۷۱)

دوره بازگشت ادبی:

در این دوره سبکی که از حدود قرن دوازدهم هجری آغاز میشود رفته رفته شعرای بیشتری به سرودن دوبیتی با حفظ ویژگیهای اصلی این قالب شعری روی آورده‌اند و میتوان گفت در این دوره دوبیتی نسبت به دوره‌های قبل محبوبیت بیشتری میابد.

سید محی الدین بن تاج‌الدین: سید محی الدین بن تاج‌الدین منصور بن قطب‌الدین متخلص به محیا از تاریخ تولدش اطلاع دقیقی در دست نیست. او در یکی از اشعار خویش از ۱۰۴۶ هـ-ق یاد میکند که احتمالاً دوران جوانی شاعر است. اشعار سید محیا تماماً دوبیتیست که در اصطلاح بندری آن را «شلوند» و «شروه» مینامند. واژه شروه را نوعی خوانندگی معنی کرده‌اند. [مقدمه دیوان سید محی الدین، ص ۱۵]

فایز دشتستانی: محمد علی دشتی متخلص به فایز در سال ۱۲۵۰ هـ-ق برابر با ۱۲۰۹ هجری خورشیدی در کردوان یکی از روستاهای دشتی چشم به جهان گشود. از زندگی اولیه وی چندان مارا آگاهی نیست. در اوایل جوانی و سرآغاز بهار زندگانی عشق و شوری آتشین سرآپایش را فرا میگیرد و در دام چنان عشقی اسیر میشود که تار و پود قلبش را اسیر خود می‌سازد. از این زمان است که فایز شوریده و شیدا از معجزه عشق و استعداد ذاتی خود اشعاری عا شقانه و گاه عارفانه در قالب

دوبیتی میسرآید که چون از دل برخاسته و از صداقتی روستایی سرشار است، ناچار بر دل مینشیند. دوبیتیهای عاشقانه او در جنوب ایران به شروه معروف است. وی پس از هشتاد سال زندگی پرفراز و نشیب در سال ۱۳۳۰ هـ-ق برابر با ۱۲۹۸ خورشیدی در گذرد. وفات یافت و جسدش بنا به وصیت خود او پس از چند ماه به نجف منتقل شد. [فایز دشتی و شعر او، نجف زاده بارفروش، ص ۵۸، ۵۹، ۶۴]

هرچند در این میان برخی از شاعران نیز هستند که مانند آنچه که در دوره‌های پیشین ذکر شد گاهی وزن معمول دوبیتی را نادیده گرفته، یا آن را به رباعی یا قطعه نزدیک کرده‌اند و یا تنها به سرودن دوبیتی در بحر هزج اکتفا کرده‌اند. ابوالقاسم نباتی شاعر قرن ۱۲ نمونه‌ای از آنهاست:

ابوالقاسم نباتی: سید ابوالقاسم فرزند یحیی متولد سال ۱۱۹۱ هـ-ق در روستایی از توابع شهرستان ارسباران در آذربایجان شرقی به دنیا آمد. او هفتاد سال عمر کرد و در سال ۱۲۶۲ هـ-ق درگذشت. تخلص او در اشعار فارسی «نباتی» بود. او در دیوان خود اشعاری در قالبهای غزل، قصیده، رباعی و دوبیتی دارد. که مجموع دوبیتیها در دیوان وی به ۲۱ عدد می‌رسد که بیشتر آنها وزن معمول دوبیتی نیستند. [مقدمه دیوان نباتی، ص ۹]

مختصات ادبی: در این بیشتر شاعران به سرودن دوبیتیهای اصیل و ساده روی آوردند. که مهمترین آرایه‌های ادبی به کار رفته در آنها استعاره‌ها و تشبیهات ملموس و قابل فهم، مبالغه، مراعات‌النظیر و جناس است:

نگارا شربت از لبهاست بفرست گلاب از گوشه‌ی چشمات بفرست
برای توتیای چشم فایز کف دستی ز خاک پات بفرست
(فایز دشتی و شعر او، نجف‌زاده بارفروش، ص ۱۰۷)

در این میان شاعرانی نیز علاوه بر نادیده گرفتن وزن اصلی دوبیتی، آرایه‌های فراوانتر و پیچیده‌تری نیز در اشعار خود به کار برده‌اند. این دوبیتی از ابوالقاسم نباتی به خوبی نمایانگر این تفاوت است:

«نمود از افق مشرق آفتاب طلوع نکرد از چه جمال تو آفتاب طلوع
فروغ‌روی تو را هر که شب به بام بدید به خنده گفت که شب کرده آفتاب طلوع»
(دیوان نباتی، ص ۳۲۶)

مختصات زبانی: همانگونه که بیان شد مهمترین ویژگی زبانی در دوبیتیهای اصیل، به کار بردن واژگان اصیل فارسی و پرهیز از به کار بردن نکات پیچیده و مبهم دستوری است. که در این دوره این ویژگی زبانی نسبت به دوره‌های پیشین بیشتر رعایت میشود:

^۱ وزن این دوبیتی از ابوالقاسم نباتی «مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن فعولن» است

گلی دارم که از گلها نشان است به تابستان، زمستان گل جوانست
 خزان آید که گلها جمله میرند گل محیا در عالم بی خزان است
 (دیوان محیا، ص ۲۲)

مختصات فکری: در این دوره شاعران علاوه بر به کار بردن مضامین ساده، ملموس و عاشقانه، مضامین عرفانی و تعلیمی بیشتری را در اشعار خود به کار می‌برند:

نه‌من پیرم که دوران می‌دهم یاد سرم چون کاه به‌من می برد باد
 چشم از ماندگی سودی ندارد جوانی مثل خوابی می کنم یاد
 (همان، ص ۵۵)

دوره معاصر

مهمترین تحول دوبیتی بعد از دوره سبک عراقی، در دوره معاصر به وقوع می‌پیوندد. در این دوره است که شاعران با آگاهی و توجه به نیازهای این دوره به دنبال بدست آوردن آزادی عمل بیشتری در زمینه قالبهای شعر فارسی و در نتیجه گسترش آنها بودند که حاصل یکی از این کوششها روی آوردن به ساختن قالبی به نام دوبیتی پیوسته است. از دوبیتی پیوسته‌های مشهور میتوان: «سرود کبوتر» ملک‌الشعرای بهار، «قو» سروده نیما یوشیج را نام برد. همچنین بسیاری از شاعران معاصر این دوره با وجود سرودن دوبیتی در شکل و قالب کهن آن با وارد کردن مضامین جدید شکلی نواز قالب دوبیتی را برای ما نمایان می‌سازند. از مهمترین این شاعران میتوان: میرزاده عشقی، مظهر همدانی، ابوالقاسم لاهوتی، نظام وفا، محمدحسین شهریار، مهدی اخوان ثالث، سیاوش کسرای، فریدون مشیری، نصرت رحمانی، حسین منزوی، قیصر امین‌پور و هوشنگ ابتهاج را نام برد.

مختصات ادبی: در این دوره اغلب شاعرانی که به سرودن دوبیتی در اشعار خود روی آورده‌اند، آرایه‌هایی ساده و ملموسی را به کار گرفته‌اند که با احساسات ناب آدمی پیوند خورده است و همان سادگی دوبیتیه‌های اصیل و کهن را به یاد ما می‌آورند:

دویدیم و دویدیم و دویدیم دم دروازه‌ی شهری رسیدیم
 ولی دروازه بان دروازه رابست دریغا روی هم را هم ندیدیم
 (مجموعه اشعار رحمانی، ص ۲۵۳)

مختصات زبانی: در دوره معاصر نیز چه شاعرانی که به دوبیتی پیوسته روی آورده‌اند و چه شاعرانی که به دوبیتی در شکل سنتی آن پایبند بودند، تلاش می‌کنند تا سادگی و عدم پیچیدگیهای زبانی را در اشعار خود به کار گیرند؛ هرچند که در این دوره نیز اغلب، از به کار بردن

افعال محاوره‌ای و وارد کردن لهجه شخصی خود در شعر خودداری کرده‌اند:

کنار چشمه‌ای بودیم در خواب تو با جامی ربودی ماه از آب
چو نوشیدیم از آن جام گوارا تو نیلوفر شدی من اشک مهتاب
(مجموعه اشعار کسرایبی، ص ۱۸۶)

مختصات فکری: در این دوره، شاعران با علم و شناخت مهمترین نیازها و مسایل اجتماعی، مضامین فکری متفاوتی را نسبت به دوره‌های قبل در اشعار خود وارد کرده‌اند. مضامینی که شاعران معاصر در اشعار خود به کار میگیرند اغلب مضامینی اجتماعی و سیاسی است، شاعران با تاثیرپذیری از ویژگیهای عصر جدید و همسو با نیازهای افشار مختلف مردم به این ویژگیها روی آورده‌اند:

جوادم در کلیسا بانگ ارگ است دل من کوچک است و غم بزرگ است
بترس از روشنایی‌های آن شب که چشم اخترش دندان گرگ است
(لولی وش مغموم، اخوان ثالث، ص ۲۶۹)

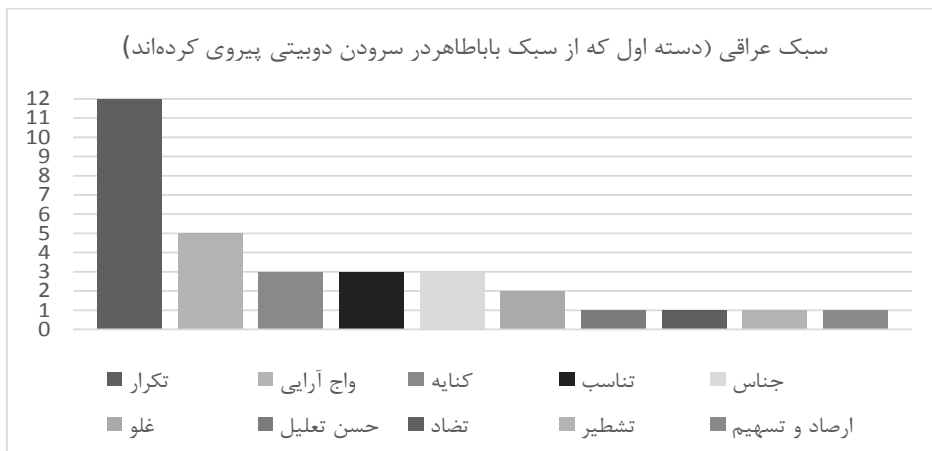
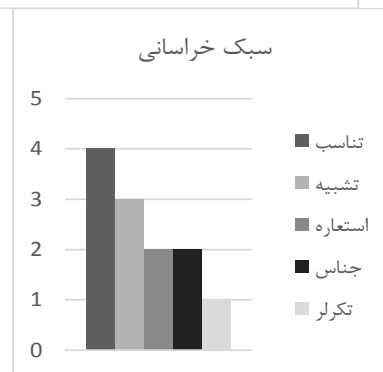
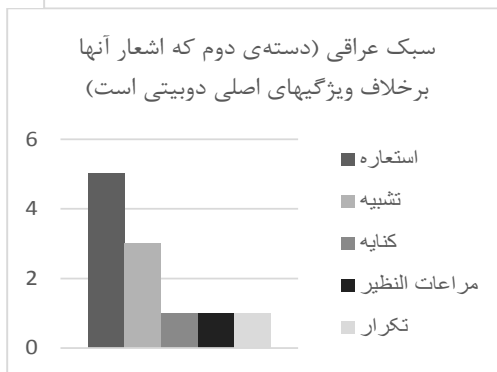
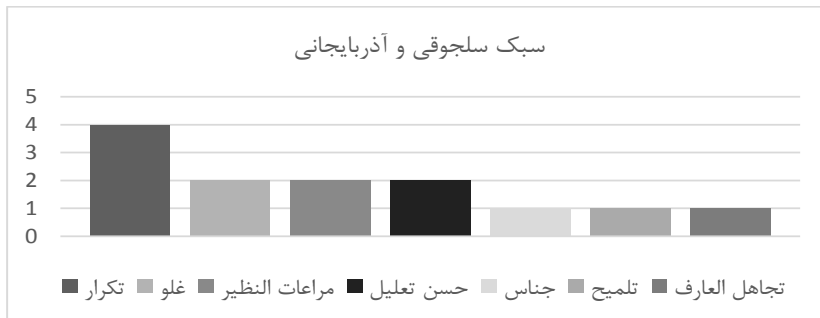
تحلیل

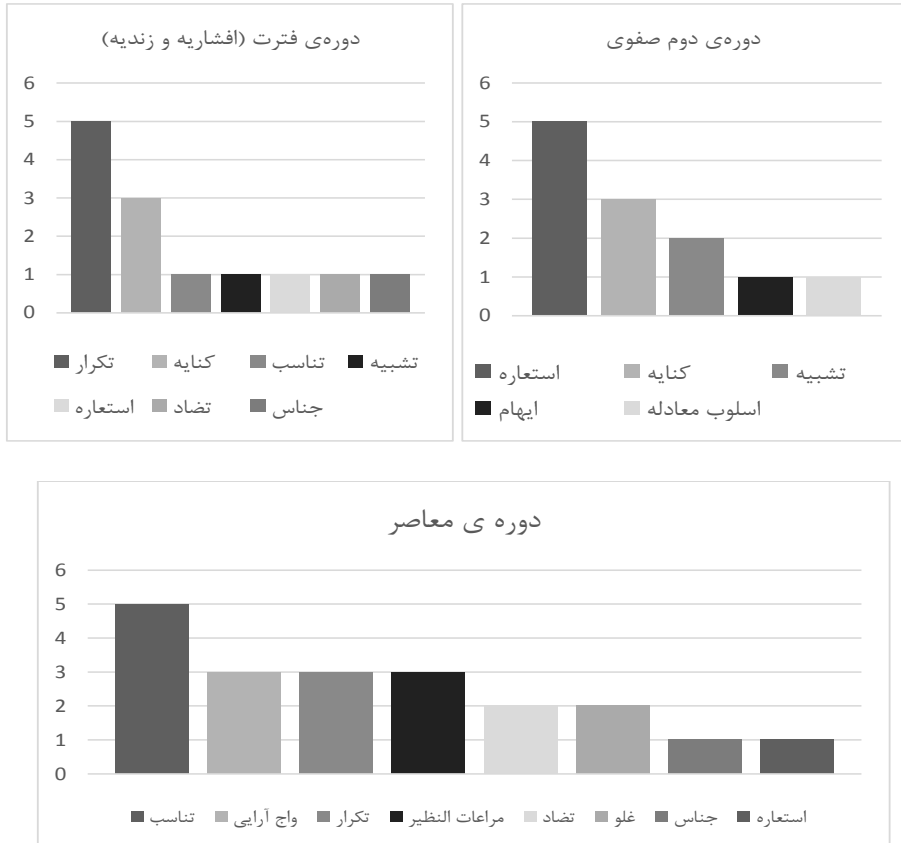
دوبیتی شعریست همگانی که برای عامه مردم وضع شده، سرتا سر آن سخن از احساسات و عواطف ملموس بشریست و این مهمترین هنر شاعر در سرودن دوبیتی است. دوبیتی قالبیست اصیل و کهن که از اطناب، به کار بردن ویژگیهای ادبی و زبانی پیچیده و مضامین مبهم و دشوار دوری میجوید و چون از دل برمیآید، به دور از هرگونه پیچیدگی کلام و در کمال ایجاز بیان میشود. به دلیل این ویژگیهاست که سرایندگان دوبیتی گاهی افرادی بیسواد و از عامه مردم هستند که تنها از دل سخن میگویند. اما همین ویژگیها نیز سبب شده‌است که بسیاری از شاعران دوبیتی را به عنوان قالبی رسمی نشناسند. زیرا شاعران درباری به خصوص از قرن هشتم به بعد اعتقاد داشتند که شعر و شاعری مخصوص طبقه اجتماعی خاصی از مردم است که با کسب علوم و فنون مختلف میتوان به آن رسید. بنابراین، روشن است که گاهی شاعران، دوبیتی و ویژگیهای مخصوص به آن را مورد بیمه‌ری قرار دهند و از سرودن اشعار خود در این قالب امتناع ورزند. نکته جالب توجه آنست که برخی از شاعران با وجود این تفکر، به سرودن دوبیتی و اختصاص قسمتی با نام دوبیتی در دیوان خود همت گماشته‌اند. هرچند با تغییر در ویژگیهای ساختاری و مضمونی دوبیتها، همچون تغییر در وزن این اشعار و انتخاب وزنی نزدیک به وزن دوبیتی (همچون بحر هزج مثنی محذوف یا هزج مسدس سالم) و یا گاهی تنها اکتفا کردن به ویژگیهای ظاهری دوبیتی (همچون رعایت الگوی قافیه و تعداد مصرعها)، به کار بردن تشبیهات و استعارات فراوانتر نسبت به دوبیتیه‌های اصیل دوره‌های پیشین، وارد کردن پیچیدگی زبانی، به کار بردن واژگان دشوار و دیرفهم به جای واژگان

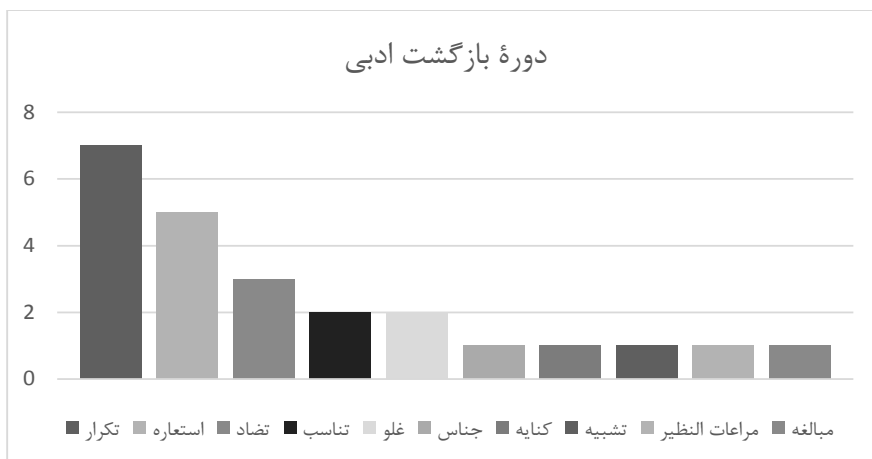
محلی و اصیل فارسی، عدم ورود لهجه محلی شاعر در این اشعار، پرهیز از کاربرد افعال محاوره‌ای و همچنین جایگزین کردن مضامین پیچیده عرفانی و دور از ذهن در اغلب دوبیتی‌های این دوره به جای به کار بردن مضامین ساده و قابل فهم برای عامه مردم، تلاش کرده‌اند از به کار بردن دوبیتی با ویژگیها و مشخصات اصلی این شعر دوری کنند. این تفکر و شیوه دوبیتی‌سرایي تا دوره بازگشت ادبی و تا قرن سیزدهم هجری قمری ادامه دارد. با این وجود در این دوره نیز شاعرانی را نیز یافتیم که هنوز به ویژگی‌های اصلی دوبیتی پایبند بودند. در دوره معاصر، شاعران با توجه و آگاهی کامل از نیازهای این دوران، بدنبال تغییر در همه سنت‌های اجتماعی و فرهنگی و بدست آوردن آزادی در همه امور از جمله در شعر بودند. حاصل یکی از این کوششها، اختراع قالب دوبیتی پیوسته است؛ که به وسیله آن شاعران آزادانه و در چندین بند به سرودن دوبیتی میپردازند. در این نوع شعر هنوز پایبندی به وزن و الگوهای قافیه‌ای مشخص برای سرودن دوبیتی وجود دارد. در دوره‌های بعد شاعران آزادی عمل بیشتری را در سرودن اینگونه شعر به کار میگیرند و قالب چهارپاره را به وجود میاورند، که در آن پایبندی به وزن دوبیتی وجود ندارد و قید و بندهای رعایت الگوی قافیه‌ای مشخص نیز کمتر است. در همین دوره نیز هستند شاعرانی که در دیوان خود به سرودن دوبیتی در شکل سنتی پرداخته‌اند که زبان ساده و به دور از پیچیدگی، کاربرد واژگان امروزی و ملموس و عدم استفاده از تشبیهات و استعاره‌های دور از ذهن از ویژگی‌های اصلی آنهاست؛ که گاهی یادآور همان سادگی و ویژگی‌های رو ستایی دوبیتی‌های کهن است هرچند که در این نیز، شاعران از وارد کردن لهجه شخصی در شعر و به کار بردن واژگان محلی و افعال محاوره‌ای خودداری کرده‌اند. در دوره معاصر با مضامین متنوع‌تری نسبت به دوره‌های پیشین روبرو میشویم. شاعران با توجه به نیازهای جامعه و همسو با این نیازها بیشتر به بیان مضامین اجتماعی و سیاسی پرداخته‌اند. مضامین عاشقانه‌ای نیز که در این دوبیتیها به کار برده شده‌اند، منطبق با ویژگی‌های امروزی این مضمون و ملموس‌تر و دست‌یافتنی‌تر از دوره‌های پیشین است.

نتیجه‌گیری و مقایسه

با توجه به نمونه‌هایی از دوبیتی‌های هر دوره سبکی که در مقاله آورده شد، در این فصل به مقایسه فنون ادبی هر دوره در نمودارهای جداگانه پرداختیم:







فهرست منابع:

۱. المعجم فی المعاییر اشعار العجم، شمس قیس رازی، مصحح علامه محمد قزوینی و مدرس رضوی و سیروس شمیسا، تهران، نشر علم، ۱۳۸۸، چاپ اول.
۲. بهار و ادب فارسی (مجموعه یکصد مقاله از ملک‌العشرای بهار)، به کوشش محمد گلبن، با مقدمه‌ی غلامحسین یوسفی، شرکت سهامی کتاب‌های جیبی، تهران، سال ۱۳۸۱.
۳. تذکره آتشکده آذر (۳جلد)، لطفعلی بیگ آقاخان بیگدلی شاملو متخلص به آذر، با تصحیح و تحشیه و تعلیق حسن سادات ناصری، تهران، انتشارات امیرکبیر، سال ۱۳۳۹.
۴. تذکره مجمع الفصحا (۶جلد)، رضاقلیخان هدایت، بکوشش مظاهر مصفا، تهران، انتشارات امیرکبیر، سال ۱۳۳۹.
۵. حرفهای تازه در ادب فارسی، وحیدیان کامیار، تقی، اهواز، انتشارات جهاد دانشگاهی، سال ۱۳۷۰.
۶. دیوان ابوالقاسم میریحیی نباتی، به کوشش محمدزاده‌ی صدیق، حسین، انتشارات احرار تبریز، سال ۱۳۷۲، چاپ اول.
۷. دیوان اشرف مازندرانی، به کوشش سیدان، محمدحسن، تهران، مجموعه انتشارات ادبی و تاریخی، سال ۱۳۷۳.
۸. دیوان پیرجمال اردستانی، به تحقیق و بررسی میرعبادینی، سید ابوطالب، انتشارات روزبه، سال ۱۳۷۶، چاپ اول.
۹. دیوان جلال‌الدین عضدیزدی، به کوشش کرمی، احمد، انتشارات تالار کتاب، سال ۱۳۶۶، چاپ اول.

۱۰. دیوان سیدمحمی‌الدین، تالیف، تصحیح، تنظیم و تحشیه‌ی نوربخشایش، محمد، انتشارات جهان معاصر، ۱۳۷۳، چاپ اول.
۱۱. دیوان سیدنورالدین شاه نعمت‌الله ولی، ماهانی کرمانی، کتابفروشی محمد علمی، سال ۱۳۷۰، چاپ ششم.
۱۲. دیوان شمس مغربی، به تحقیق میرعابدینی، ابوطالب، انتشارات زوار، سال ۱۳۵۸.
۱۳. دیوان فخری‌هروی، به کوشش کرمی، احمد، انتشارات تالار کتاب، سال ۱۳۶۶، چاپ اول.
۱۴. دیوان میرزاحمدباقر حسینی، ویراستار کزازی، میرجلال‌الدین، نشر مرکز، سال ۱۳۶۹، چاپ اول.
۱۵. دیوان نورعلیشاه اصفهانی، به اهتمام نوربخش، جواد، نشر منوچهری، سال ۸۹، چاپ اول.
۱۶. راحة‌الصدور، محمد بن سلیمان راوندی، بسعی و تصحیح اقبال، محمد، با تصحیحات لازم مجتبی مینوی، تهران، انتشارات امیرکبیر، سال ۱۳۶۴.
۱۷. شرح‌احوال و آثار و دوبیتی‌های باباطاهر عریان، به کوشش مقصود، جواد، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، سال ۱۳۷۶، چاپ سوم.
۱۸. فایز دشتی و شعر او، نجف‌زاده‌ی بارفروش (م.روجا)، محمدباقر، تهران، انتشارات هزاره‌ی ققنوس، سال ۱۳۹۰، چاپ اول.
۱۹. لباب‌الالباب، محمد عوفی، به تصحیح پرفسور ادوارد. جی براون و علامه محمد قزوینی، با تصحیحات جدید و حواشی و تعلیقات کامل سعید نفیسی، تهران، بسمایه‌ی کتابخانه‌ی ابن سینا، سال ۱۳۳۵.
۲۰. لولی‌وش مغموم، رحیمی، هادی، انتشارات نویدصبح، سال ۱۳۹۱، چاپ اول.
۲۱. مجموعه اشعار سیاوش کسرایی، تهران، انتشارات نگاه، سال ۱۳۸۹.
۲۲. مجموعه اشعار نصرت رحمانی، تهران، انتشارات نگاه، سال ۹۰.
۲۳. مقاله اشتباه صاحب المعجم در اوزان فهلویات و اورامنان، همایی، جلال‌الدین، جشن نامه مدرس رضوی، به کوشش ضیال‌الدین سجادی، تهران، سال ۱۳۵۶.
۲۴. مقاله باباطاهر عرفانی کننده دوبیتیهای عاشقانه محلی، منوچهر دانش پژوه، مجله پژوهش علوم انسانی، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۷۹.
۲۵. وزن شعر فارسی، نائل خانلری، پرویز، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، سال ۱۳۴۵، چاپ اول.